



ویژه‌نامه قدس  
به مناسبت سالگرد  
رحلت بنیان‌گذار  
انقلاب اسلامی

۱۰

مجتبی نامخواه از یک بخش بنیادین در ایده اجتماعی امام خمینی (ره) می‌گوید

# ایده جنگ فقر و غنا، شورشی علیه انگاره‌های محافظه‌کارانه

حجت‌الاسلام مجتبی نامخواه، مدیر کارگروه مطالعات اجتماعی پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع) در گفت‌وگو با ما به بررسی مسئله جنگ فقر و غنا در اندیشه امام (ره) پرداخته است. به عقیده او «جنگ فقر و غنا یک بخش مهم و بنیادین از ایده اجتماعی امام خمینی (ره) است. این بنیادین بودن به این معناست که امام خمینی (ره) از دوره نهضت تا هنگام تشکیل نظام و پس از آن، همواره مبتنی بر این ایده تفکر و حتی تفقه می‌کردند؛ در عمل طرحی از اقدام جمعی و بسیج اجتماعی به دست می‌دادند، به ساخت کنش دگرگون‌ساز می‌پرداختند؛ بعد از تشکیل نظام اسلامی این ایده را در طراحی شیوه حکمرانی اقتصادی و اجتماعی دخالت می‌دادند. بر اساس آن با عالی‌ترین سطوح مرجعیت، انتقادی‌ترین مباحثه‌ها و مکاتبه‌های فقهی را داشتند و این ایده را به مبنایی مهم در حکمرانی و سیاست‌گذاری تبدیل کردند. بنابراین از نظر روش شناختی با عنصری مواجهیم که از منظر کیفی «محکم» است و نه «متشابه» و از نظر کمی نیز به تعبیر رهبر معظم انقلاب از بینات مضامین پربسامد اندیشه امام خمینی (ره) است. البته امام مفهوم «جنگ فقر و غنا» را در سال‌های آخر حیاتشان صورت‌بندی می‌کنند و از قضا از این جهت یک ارزش افزوده‌ای دارد که به نوعی روایتی از تجربه حکمرانی و واقعیت اجتماعی است، اما به هر حال پیش از این دوره نیز مضمون این مفهوم در اندیشه امام خمینی (ره) مکرر مطرح می‌شود».

## ■ منظور از ایده جنگ فقر و غنا چیست؟

این مفهوم یک ریشه و منطق الهیاتی روشن دارد. همان منطق و نگرشی که مفهوم مستضعف از آنجا آمده است. برحسب این مفهوم، فقر قابل تقلیل به تنبلی فقرانیست. همچنان که ثروت و انباشت آن در دست عده‌ای نتیجه



زرنگی و زیرکی مثبت صاحبان سرمایه نیست. در این نگاه فقیران قشر ضعیف نیستند، بلکه مستضعف هستند یعنی به استضعاف کشیده شده‌اند. این تعبیر جنگ، در واقع بیان‌کننده همین فرایند استضعاف است. کلمه جنگ توضیحی است بر فرایند استعباد یا جنگی که برای به بردگی کشیدن انسان در جریان است. جنگی که بازندگان آن توده‌های وسیع مردم‌اند و برندگان آن اقلیت محدود مستکبر. این ادبیاتی است که مکرر در قرآن و نهج‌البلاغه و منابع دینی ما درباره آن حرف زده شده است. هنر امام خمینی (ره) این است که حجاب افتاده بر این مفاهیم اصیل و اصلی دین را می‌برد؛ این ریشه‌های صریح الهیاتی را به اکنون می‌آورد، تبدیل به کلمه می‌کند و حال ما را بر اساس این ایده‌ها و با این کلمه‌ها بازسازی می‌کند. در واقع از کاویدن معادن معانی و حیانی و حکمی، کلمه می‌سازد و این کلمات را به جامعه و تاریخ می‌آورد. بنابراین جنگ فقر و غنا، آنچنان که بیشتر مخالفان این ایده ترسیم می‌کنند، تجویز یک جنگ میان طبقات اجتماعی نیست، بلکه توصیفی و تحلیل واقعیت و وضعیتی در جوامع است که در صورت عدم رسیدگی به آن از جانب حاکمان و نیروهای مسئول در جامعه، می‌تواند همبستگی اجتماعی را خدشه‌دار کرده و به چنین نقطه‌ای در از هم گسیختگی جامعه منتهی شود. جنگ فقر و غنا، تصویر و ترسیم فرایند به استضعاف و استعباد کشیدن مردم به مثابه یک «جنگ» است. جنگی که بازندگان فراوان آن مستضعفان و برندگان اندک آن مستکبران جوامع انسانی هستند.

## ■ آیا در ادبیات امام خمینی (ره) جنگ فقر و غنا ناظر به وضعیت تاریخی بازمانده از دوره رژیم سابق است یا برای امروز ما هم حرفی دارد؟

برای این ایده و یا نظریه می‌توان دو سطح را در نظر گرفت. سطح «صورت‌بندی مفهومی» این ایده و طرح کلمه «جنگ فقر و غنا». این کار در متن‌های یکی دو سال آخر امام (ره) انجام شده است. سطح دیگر «استدلال‌های مضمونی» مرتبط با این ایده است که در تمام سال‌های مبارزه و نهضت و سپس نظام‌سازی پای ثابت ادبیات امام خمینی (ره) بوده است.

باید توجه کنیم در واقع امام جنگ فقر و غنا را به مثابه یک توصیف تاریخی مطرح نمی‌کنند، بلکه به عنوان یک ایده اجتماعی مطرح می‌کنند. یعنی امام

خمینی (ره) می‌گوید و به صراحت می‌نویسد هم دگرگونی انقلاب اسلامی، جنگ فقر و غنا بود یا به تعبیری پاسخی به این وضعیت در دوره رژیم سابق بود، هم دفاع مقدس و وضعیت وقت انقلاب اسلامی در این چارچوب قابل تحلیل است و هم آینده انقلاب اسلامی در این چارچوب خواهد بود. این استدلالی است که در پیام‌های سال آخر و در پیام پایان جنگ به صراحت می‌نویسند؛ می‌نویسند امروز جنگ دیگری آغاز شده که آن جنگ، جنگ فقر و غناست. ما هم می‌بینیم که امروز، سه و نیم دهه پس از آغاز این جنگ، ما درست در میانه میدان جنگ فقر و غنا قرار داریم منتهای مراتب این واقعیت اجتماعی و این جنگ اغلب توسط رسانه‌ها پوشانده می‌شود و ایده جنگ فقر و غنا در واقع به ما امکان آشکارسازی این واقعیت را می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین بصیرت‌هایی که ایده جنگ فقر و غنا امروز به ما می‌دهد این است که برای همیشه بی‌اهمیت بودن و بی‌تأثیر بودن وضعیت اقتصادی در وضعیت اجتماعی و فرهنگی را کنار بگذاریم. این یک ایده خطرناک است که البته ریشه‌های تاریخی خاص خود را دارد. این که کار فرهنگی و اجتماعی وضعیت فرهنگی و اجتماعی امری بریده از زمینه اجتماعی و اقتصادی است. در جامعه‌ای با هر میزان از نابرابری و انباشت ثروت نمی‌توان یک وضعیت فرهنگی و اسلامی و اعتقادی ناب داشت. این یک ستون اصلی در نگرش محافظه‌کارانه رایج در این زمانه است. ایده جنگ فقر و غنا به ما امکان می‌دهد این انگاره محافظه‌کارانه و نتایج سیاسی و سیاستی آن را نقد کنیم. اینکه بیکاری منشأ فرهنگی دارد و مشکل، کارگران بیکاری هستند که تن به کار نمی‌دهند، اینکه مشکل تنبلی است یا مسئله جمعیت، مشکلی صرفاً فرهنگی است و با ترویج و تبلیغ مقوله فرزندآوری مسئله حل می‌شود و مانند آن، اینکه تمام یا وجه غالب مسئله در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در حوزه حجاب و غیر آن، محصول خطای بی‌حجاب‌هاست و انبوهی از این شیوه‌های تحلیل؛ این ایده‌ها اعم از اینکه راه‌حل را اقدام‌های سلبی و قانونی بدانند یا اقدام‌های ایجابی و به اصطلاح کار فرهنگی را پیشنهاد بدهند، جملگی محصول یک سلسله از انگاره‌های محافظه‌کارانه هستند که امر اجتماعی و فرهنگی را منهای امر اقتصادی اجتماعی و منهای وضعیت عدالت و توزیع ثروت می‌فهمند و آن را به مثابه یک امر اعتقادی تحلیل و تجویز می‌کنند. ایده جنگ فقر و غنا امام خمینی (ره) یک شورش علیه این انگاره غالب است.

■ این توجهی که مفهوم جنگ فقر و غنا به مسئله روابط متقابل فرهنگ، جامعه و اقتصاد می‌دهد، به طور مشخص برای درک امروز ما چه راه‌گشایی‌هایی دارد؟

ایده جنگ فقر و غنا  
برای جامعه‌ای مثل ما  
که در بحث عدالت با  
ایده‌آل فاصله دارد اما  
مطابق تحقیقات انجام  
شده، قادر به درک  
اجتماعی و فرهنگی  
از نابرابری نیست، از  
نان شب هم واجب‌تر  
است.